

مجله علمی پژوهشی مخاطرات محیط طبیعی، دوره ۱۴، شماره ۴۳، پیاپی ۱، بهار ۱۴۰۴

## تحلیل اجتماعی سیلاب شهرستان آق قلا بر مبنای چارچوب توسعه و تحلیل نهادی

### سیاسی (PIAD)

سپیده سادات حسینی رستمی<sup>۱</sup>، کیانوش ذاکر حقیقی<sup>۲\*</sup>، حسین ذبیحی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکترا، گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	امروزه سیل به‌عنوان پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده مطرح که با ظهور محرک‌ها و عوامل جدید با روی‌آوری به الگوواره‌های غیر کالبدی و غیر مهندسی، تنوعی از رویه‌ها و الگوها به‌منظور مقابله و مدیریت سیلاب‌ها آمیخته‌شده با مداخلات انسانی شکل گرفته است. بنابراین نظریه‌های نهادگرایی و مکتب نو نهادگرایی از جمله نظریه‌های پیشگام در سه دهه اخیر، به‌منظور مدیریت پایدار شهری با تأکید بر نقش نهادها در وضع قوانین، هماهنگی بین سازمان‌ها و افزایش آگاهی عمومی، در راستای ایجاد ساختارهای مناسب و تقویت همکاری بین تمامی ذینفعان راهکارهایی برای کاهش آسیب‌پذیری جامعه در برابر مخاطراتی مانند سیل مطرح‌شده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی ظرفیت‌ها و کاستی‌های ساختاری - نهادی شهرستان آق قلا در مدیریت بلایا با تمرکز بر سیل سال ۱۳۹۸ و رویکرد جامعه‌محور است. بدین منظور از روش پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) و مبتنی بر چارچوب سیاسی توسعه و تحلیل نهادی (PIAD) به‌عنوان یکی از چارچوب‌های جامع تحلیل نهادی استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌های پژوهش شامل یک پرسشنامه محقق‌ساخته و داده‌های پیمایشی گردآوری‌شده از شهرستان آق قلا در سال ۱۴۰۲ خورشیدی با حجم نمونه ۴۰۰ نفر و مقایسه با داده‌های تحلیل ثانویه اسناد معتبر کشوری در حوزه اجتماعی در زمان وقوع سیل سال ۹۸ است. یافته‌های پژوهش بیانگر حضور مجموعه‌ای از شواهد در خصوص کمبودها و نقایص ابعاد اجتماعی پشتیبان سیلاب به‌عنوان یکی از اضلاع کانونی مدیریت مطلوب سیلاب‌های شهری در کنار سایر متغیرهای برون‌زا در چارچوب (PIAD) است. در مجموع، نتایج نهایی بیانگر لزوم تجدیدنظرهای جدی در نوع دیدگاه به حوزه عمومی شهر یا متغیر جامعه و ویژگی‌های آن به‌دلیل نقش پراهمیت آن در مدیریت بلندمدت، جامعه‌محور، مشارکتی و پایدار سیلاب‌های شهری به‌عنوان یک مخاطره پیچیده شهری است.

استناد: حسینی رستمی، سپیده سادات، ذاکر حقیقی، کیانوش، ذبیحی، حسین. (۱۴۰۴). تحلیل اجتماعی سیلاب شهرستان آق قلا بر مبنای چارچوب

توسعه و تحلیل نهادی سیاسی (PIAD). مخاطرات محیط طبیعی، ۱۴(۴۳)، ۳۴-۳۱. DOI: 10.22111/jneh.2024.48894.2048



© سپیده سادات حسینی رستمی، کیانوش ذاکر حقیقی\*، حسین ذبیحی.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

## مقدمه

افزایش روزافزون خسارات ناشی از سیلاب‌های شهری در سطح جهان، علی‌رغم تلاش‌های مدیریتی، ضرورت بازنگری در رویکردهای موجود را به‌وضوح نشان می‌دهد. رویکردهای سنتی و متمرکز بر مهندسی به‌تنهایی قادر به مقابله با پیچیدگی‌های این پدیده نیستند، زیرا عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی مؤثر بر خطرپذیری سیلاب را نادیده می‌گیرند و از ظرفیت‌های جوامع محلی بهره‌برداری نمی‌کنند. همچنین، تغییرات اقلیمی و افزایش عدم قطعیت‌ها ضرورت اتخاذ رویکردهای انعطاف‌پذیر و سازگار در مدیریت سیلاب‌ها را نمایان می‌سازد. بنابراین، بررسی اثربخشی رویکردهای جامعه‌محور که بر مشارکت فعال مردم محلی و استفاده از ظرفیت‌های بومی تأکید دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد. با توجه به بافت شهرستان آق‌قلا که با چالش‌های خاصی در زمینه مدیریت سیلاب مواجه است، انجام این پژوهش می‌تواند به ارائه راهکارهای بومی و کارآمد برای کاهش خطرپذیری سیلاب کمک کند.

ادبیات پژوهشی در حوزه مدیریت بلایا، به‌طور فزاینده‌ای به اهمیت رویکردهای جامعه‌محور و نقش نهادها در کاهش خطرپذیری تأکید دارد. مطالعاتی نظیر کارهای کلمنت و همکاران (۲۰۰۶) بر اهمیت سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در تاب‌آوری جوامع در برابر بلایا تأکید کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌های ماسکری (۲۰۱۱) و بومن و وایت (۲۰۱۲) ضمن بررسی تجربیات عملی رویکردهای جامعه‌محور، چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در این زمینه را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر این مبانی نظری و تجربی، به بررسی عمیق‌تر نقش نهادها به‌عنوان یک عامل تعدیل‌کننده در اثربخشی رویکردهای جامعه‌محور می‌پردازد. در حالی که مطالعات قبلی به‌طور عمده بر نقش مستقیم مشارکت جامعه‌محور تأکید داشتند، این پژوهش تلاش می‌کند تا نقش واسطه‌ای و تعدیل‌کننده نهادها را در این فرایند مورد واکاوی قرار دهد. علاوه بر این، با تمرکز بر شهرستان آق‌قلا این پژوهش به‌غنا ادبیات موجود در زمینه مدیریت سیلاب‌های شهری در این منطقه کمک خواهد کرد و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های محلی مورد استفاده قرار گیرد. در راستای اهداف پژوهش، سوالات زیر به‌عنوان راهنمای تحقیق تدوین شده‌اند:

۱- مجموعه شاخص‌های اجتماعی ناظر بر ویژگی‌های جامعه در مدل PIAD کدامند و چگونه قابل‌اندازه‌گیری هستند؟

۲- تحلیل اجتماعی- نهادی مدیریت سیلاب در شهرستان به‌ویژه شهر آق‌قلا گویای چه مجموعه‌ای از نکات، ملاحظات و دستاوردهای مدیریتی و نهادی است؟

## داده‌ها و روش‌ها

رویکرد روش‌شناسی این پژوهش از نوع ترکیبی (کمی و کیفی) است، با جهت‌گیری بین‌رشته‌ای و تکیه بر چارچوب‌های اندازه‌گیری نهادی. شیوه بیان پژوهش شامل رویکردهای توصیفی-تحلیلی و استنتاجی-تبیینی است. روش گردآوری منابع به‌صورت کتابخانه‌ای و مطالعه متون نظری و کاربردی در حوزه نو نهادگرایی و سوانح طبیعی، به‌ویژه مدیریت سیلاب‌های شهری، انجام شده است. ابزارهای اصلی جمع‌آوری داده‌ها شامل پرسشنامه کمی محقق‌ساخته و تحلیل ثانویه اسناد و گزارش‌های ملی سیلاب می‌باشد. این پژوهش از منظر نمونه موردی بر

شهرستان آق قلا و به طور خاص شهر آق قلا، به عنوان یکی از مناطق پرخطر سیلاب در استان گلستان، تمرکز دارد. چارچوب سیاسی توسعه و تحلیل نهادی (PIAD) به عنوان ابزار اصلی پیشران تحلیلی مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق به صورت تحلیلی در دو حوزه اصلی نهاد و سیلاب و نقاط اشتراک آن‌ها، به‌ویژه با تطبیق چارچوب ارزیابی نهادی سیاسی بر مبنای متغیر ویژگی‌های جامعه، ارائه خواهد شد.

## نتایج و بحث



شکل ۱۰: مدل تحلیل نهادی مختصات جامع در چارچوب جامع PIAD منبع: نگارندگان

نتایج پژوهش در نمونه موردی آق قلا نشان می‌دهد که در حوزه متغیرهای برونزا و مختصات اجتماعی، به دلیل ماهیت تبعی نهادهای غیررسمی و دیدگاه‌های ذهنی شهروندان، تحولاتی در عرضه کنش رخ داده است. با این حال، چگونگی اعتمادسازی گسترده عمومی در میان ترکمن‌های صحرا ناشناخته باقی‌مانده و مؤلفه‌هایی نظیر ادراک از خطر سیل در زمان مدیریت بحران بازخورد مثبتی نداشته‌اند. این امر ناشی از ضعف تعاملات و ارتباطات بین سازمان‌های مسئول و مردم است که منجر به گسست نهادی بین نهادهای رسمی و غیررسمی شده و پیامدهای آسیب‌زایی نظیر عدم ظرفیت‌سازی، مشارکت اجتماعی پایین، نارضایتی عمومی و اختلافات نهادی را به دنبال داشته

است. این در حالی است که پتانسیل‌های بالایی نظیر حس همبستگی درونی در میان ترکمن‌ها وجود دارد که مغفول مانده است. در مقابل، رویکردهای نهادی با تمرکز بر ساختارها و قوانین، می‌توانند به عنوان مکمل رویکردهای جامعه‌محور، چالش‌های موجود را برطرف کنند. نهادسازی بستر قانونی برای مشارکت جوامع محلی را فراهم می‌آورد و امکان تخصیص عادلانه منابع را از طریق بودجه‌بندی مبتنی بر نیاز ایجاد می‌کند. همچنین، نهادها با ایجاد ساختارهای تصمیم‌گیری مشارکتی و کانال‌های ارتباطی مؤثر، ظرفیت تصمیم‌گیری محلی را تقویت می‌کنند. اجرای برنامه‌های آموزشی و حمایتی از جامعه مدنی نیز به تغییر نگرش‌ها و باورها کمک کرده و قوانین و مقررات شفاف و قابل اجرا، زمینه نظارت و ارزیابی را فراهم می‌سازند.

## منابع

- کیخا، زهر، قنبری، سیروس، کیخا، عالمه. (۱۳۹۹). تحلیل میزان تاب آوری اجتماعات روستایی سیستان در برابر مخاطرات محیطی. مخاطرات محیط طبیعی، ۹(۲۳)، ۱-۱۸.
- گزارش ملی سیلاب‌ها (۱۳۹۸). گزارش ملی هیات ویژه سیلاب‌ها، جلد کارگروه اجتماعی، فرهنگی و رسانه، تهران: انتشار یافته زیر نظر دانشگاه تهران.
- گزارش ملی سیلاب‌ها (۱۳۹۸). گزارش ملی هیات ویژه سیلاب‌ها، جلد کارگروه مدیریت بحران، تهران: انتشار یافته زیر نظر دانشگاه تهران.
- متوسلی، محمود (۱۴۰۰). توسعه اقتصادی، مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.
- Clement, F. (2010). "Analysing decentralized natural resource governance: proposition for a "politicized" institutional analysis, and development framework, Policy Sci, 43:129-156.
- Clements, B., et al. (2006). Social capital and resilience: A review. *Ecology and Society*, 11(1), 32.
- Hartmann, T. & P. Driessen (2017) The flood risk management plan: towards spatial water governance. *Journal of Flood Risk Management*, 10, 145-154.
- hosseini rostami, S. S., & Zakerhaghighi, K. (2022). Theoretical Analysis of the Politicized Institutional Analysis and Development (PIAD) framework with the approach of urban flood management. *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability*, 4(1), 62-78.
- Gaillard, J. C. and Mercer, J., 2013. From knowledge to action: Bridging gaps in disaster risk reduction. *Progress in Human Geography*, 37 (1), 93-114
- Jessop, B. (2001). Institutional re(turns) and the strategic-relational approach. *Environment and Planning A* 33, 1213-35.
- Lassa, J. A., Boli, Y., Nakmofa, Y., Fanggidae, S., Ofong, A., and Leonis, H., 2018. Twenty years of community-based disaster risk reduction experience from a dryland village in Indonesia. *Jambá: Journal of Disaster Risk Studies*, 10 (1).
- Ostrom, E. (2007). Institutional rational choice: An assessment of the institutional analysis and development framework. In *Theories of the policy process* (pp. 21-64). Colorado: Westview Press. <https://doi.org/10.4324/9780367274689-2>
- Tanwattana, P., 2018. Systematizing Community-Based Disaster Risk Management (CBDRM): Case of urban flood-prone community in Thailand upstream area. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 28, 798-812.
- Van den Hurk, M., Mastenbroek, E., & Meijerink, S. (2014). Water safety and spatial development: An institutional comparison between the United Kingdom and the Netherlands. *Land Use Policy*, 36, 416-426.
- Papathoma-Köhle, M. A. R. I. A., & Thaler, T. (2018). *Institutional vulnerability* (pp. 98-124). Cambridge University Press.